

## وظیفهٔ تعلیم و تربیت در شاهکارهای ادبی

نگارش خانم سیاح (فاطمه خانم)

۲

مسائل مهمه مربوط به تربیت اطفال نیز در ادبیات بحث میشود و مدتها قبل از آنکه (اصول تعلیم و تربیت) مانند امروز علم مستقلاً بشود این وظیفه را ادبیات ایفا نموده است. ما باین موضوع باز مراجعه خواهیم کرد و خواهیم دید که نویسندگان روس و هوگو و دیکنس و تولستوی اصول مهمهٔ پداگوژی را مورد بحث قرار داده و نتیجه‌های مفید و یابداری بدست آورده‌اند. مثلاً شتجات دیکنس در انگلستان اصلاحات زیادی برای مدارس اطفال پیش آورده و اوضاع مدارس آنجا را قرین بهبودی نموده و این مسئله مورد نظر بسیار دارد و تأثیر ادبیات در حیات اجتماعی انسان بیحد و بی‌شمار است. لیکن نباید فراموش کرد که متأسفانه تأثیر ادبیات همیشه مفیده و سالم نیست. با بیهی است که هر وقت به اهمیت اخلاقی ادبیات اشاره میکنیم توجه ما مطلقاً با ادبیات عالیه و حقیقی یا به عبارته دیگر تالیفات دانشمندان و نواع ادب است و نیز همیشه خاطر نشان کرده ایم که قدر و قیمت تالیفات ادبی فقط بطرز ترکیب نیست بلکه اهمیت آن در افکار و عقاید اخلاقی است که در آن مندرج و کاملاً مورد توجه است. اما افسوس که همیشه ادبیات با این دو شرط عمده سر و کاری ندارد و برعکس بسیاری از کتب رمان جدید که خود را جزء ادبیات حساب میکنند مخصوصاً رمان های اروپائی جدید از این مزایا عاری است و اختصاصاً برای تفریح خاطر خوانندگان نوشته شده است. البته برای چنین مقصودی مولف موضوع های عالی و نفیس اختیار نمی کند و برای بحث در عقاید اخلاقی و فلسفی خود را بزحمت نمی اندازد بلکه چون قصدش تفریح و سرگرمی است داستان دلفریبی را پیش میکشد و برشته‌نحر بر درمی آورد و چون حکایات عشق بیشتر با مقصودش مطابقت میکند همیشه باین قسمت می پردازد. این گونه نویسندگان بی بحقیقت نمی برند و در بند مقصد اصلی ادبیات نیستند. چیزی که نزد آنها اهمیت دارد همین است که هر مقدار بیشتر و هر چه زودتر میسر شود رمان هائی مطابق ذوق و سلیقه عوام که ادبیات را فقط برای تفریح میخوانند آماده کنند و پستی درجه و قیمت تالیف آنها در نظرشان اهمیت ندارد. هر چه تصنیف آنها معیار اخلاق باشد همانقدر هوسهای طبقهٔ پست مردم را تضمین می کنند. مخصوصاً در قرن بیستم ادبیات سرگذر را می بینیم که در فرانسه فراوان و در واقع عمده علت نشر آنها استفاده مادی بوده و تأثیر آنها در فاسد نمودن اخلاق عامه آشکار است. بعدها مریمان و معلمان است که جوانان ممالک را از خطر اینگونه آثار فاسد محفوظ دارند و در انتخاب تصانیف ادبی دقت نمایند و احتیاجات روحی جوانان را در نظر گیرند. تنها در ممالک فرانسه سالی هزار و دویست الی هزار و سیصد کتاب جدید بطبع میرسد حالا اگر سایر ممالک اروپا را هم که هر چند بیابانه فرانسه میسرند حساب کنیم معلوم است عدد کتاب جدید در هر سال بگجا خواهد رسید. محتاج بتذکار نیست که در میان این دریای رمان شاید فقط ده دوازده کتاب قابل مطالعه دیده شود، باقی نه تنها یاب و مایه ادبی ندارند بلکه قرائت آنها هم مضر و خطرناک میباشد و تأثیر بدی در ذهن خواننده مینماید

پیش اشاره کردیم که این تأثیر از قوهٔ لاقین که مخصوص هر شاعر و شاعر صنعتی میباشد حاصل میشود. نویسندگان در تالیفات خود طرفدار پارهٔ مسائل هستند و حتی در انتخاب موضوع هم طرفداری می نمایند، بعبارةٔ آخری هر مولفی بیک مقصودی توجه دارد، مثلاً سعی میکند که محبت خوانندگان را نسبت به بعضی از اشخاص حکایت و نسبت باخلاق و رفتار آنها جلب کند و برعکس اعمال و افعال بعضی اشخاص دیگر را مورد تنفر و انزجار خواننده قرار دهد و همین محبت است که بهترین وسیلهٔ تلقین ادبی است. در بیک شاعر ادبی و اخلاقی این محبت نسبت بقوی و عدالت معطوف است و در رمان های معمولی برعکس این محبت بسوی عیاشی و خوشگذرانی متوجه است. مثلاً موضوع اکثر رمان های جدید معاشقه نامشروع است. توستوی هم برای رمان آنا کارنن همین موضوع را انتخاب نموده است ولیکن طوری مطلب را بیان کرده که خوانندگان از این معصیت متنفر و منزجر میشوند و برعکس در رمان های جدید این گناه فاحش مانند بک لذت طبیعی و بیک سرگرمی معمولی و متداولی جاوه کرده است. این طرز بیان نقاشی دروغی و غلطی از حقیقت است و راجع بزنگانی چیزی که مفید و صحیح باشد بما نمی آموزد و معلومات ما را نسبت اجتماعی عمیق نمیکند بلکه برعکس ما را بغلت می اندازد و از راه مستقیم منحرف میسازد. چون نویسندگان محبت ما را نسبت به پارهٔ اشخاص داستان و بعضی از اعمال و افعال آنها متوجه میسازد مسلم است که ما را بتناقد از آن اشخاص و پیروی از اخلاق و رفتار آنها وادار می کند پس هر گاه اشخاص مذکور عادل و پرهیزکار و دارای صفات پسندیده باشند ما هم بتقلید آنها بتهدیب اخلاق خود میپردازیم و از اعمال و افعال آنها پیروی میکنیم و برعکس اگر نویسنده مثل مولفین رمانهای معمولی محبت ما را بطرف اشخاص عیاش و بیعاز بکشاند ما هم باخلاق زشت آنها تاسی میکنیم و از خط مستقیم منحرف میشویم - اگر از خواندن رمان های پسند اجتناب کنید و بمطالعهٔ ادبیات نفیسه بپردازید بقدری لذت میبرید که هرگز وقت خودتان را بخواندن آن کتابهای کتیب صرف نمی نمایند. گمان نکنید تفریح و سرگرمی از مطالعه شاعران ادبی حاصل نمیشود برعکس از همان صفحهٔ اول خواهید دانست که این تالیفات مهمه خیالی بیشتر باعث سرگرمی و تفریح خاطر میشود و شما را بیشتر شیفته و فریفته مینماید. نویسندگان بزرك در رمان هایی که مینویسند دروس حکمت و اخلاق را با زبان خشک و خسته کننده بیان نمیکند بلکه آن حقایق را بزبور عبارات شیرین و دلنشین می آرایند و در ضمن حکایات مطبوع آنها را در وجود اشخاص رمان بشما نشان میدهند و حال آنکه در رمان های معمولی مطالب همه سطحی است و تصویری که از زندگانی واقعی نموده اند عاری از حقیقت است. پس از خواندن اینگونه شاعران ها هیچ وحشت نکنید و هر قدر هم که مفصل باشد مثل « تیره بختان » و « بکتور هوگو » و « برادران کز امازوف » داستایوسکی بخواندن آنها رغب و شایق باشید و یقین بدانید که آثار چنین نویسندگانی هرگز خاطر شما را آزرده نمیکند و نصاب باعبارانی چنان شیرین ترکیب شده که از اولین سطر کتاب تا آخرین کلمهٔ آن هیچوقت تفریح خاطر و مسرت قلب از شما منقک نخواهد شد. اما شرطش این است که دقت کنید و مطالب را بفهمید. البته باید وظیفه ادبیات را فهمید و دانست که وظیفه ادبیات بک وظیفه اجتماعی است. یعنی ادبیات عامل تعلیم و تربیت جامعه میباشد. چنانکه گو بو فیلسوف در کتاب مذکور فوق میگوید: - صنعت اجتماعی است نه تنها از این جهت که مبدأ و مقصدش در جامعه حقیقی است بلکه از این جهت که محرک و سرمشق و موجد جامعه آینده آل است ( یعنی جامعه که هیچ عیب و نقصی در آن وجود نداشته باشد ) و در آن جامعه بی عیب و نقص زندگانی بمنتهای

درجه حدت و قوت خود میرسد. صنعت بطور کلی باعث توسعه فکر در زندگانی بشر است و مثل این است که حیات انسان را بیشتر و بزرگتر میکند و عمر را هزارچندان مینماید و معرفت باحوال زندگانی را از آنچه در حوزة زندگانی انفرادی است زیاده تر و عمیق تر میسازد یکی از نوابع نویسدگان بزرگ قرن ۱۹ در فرانسه یعنی فلورن تریف خوبی از ماهیت و وظیفه صنعت نموده است و می گوید «صنعت بدیعی عدالتی است که بمنتها درجه رسیده» - ادبیات احساس و عواطف را بیک مقصد معین نوجهمی دهد و میان مردمی که دارای همین عواطف و احساسات هستند ارتباط و علاقه ای ایجاد و سناسبات موجود را هم تقویت می کند. بنابر این انسان را بمعاشرت و برادری و محبت واداری نماید. پس باید يك شاهکار ادبی را خوب بخوانند و بفهمند تا فکر اساسی آنرا درك کنند و بان فکر تاسی نمایند و باین وسیله بتهدیب اخلاق پردازند این نتیجه وقتی حاصل میشود که چنین تألیفات را فقط برای تفریح خاطر نخوانید بلکه مطالب آنرا برای توسعه معرفت و معلومات خرد در زندگانی وسیله موثری فرض کنید و بدانید همانطور که ذهن شما را بزندگانی خارجی باز می کند شما را بزندگانی شخصی خود هم بهتر آگاه میسازد و معرفت وجود خودتان را هم بهتر و بیشتر مینماید تا هر عیب و نقصی در خود مشاهده کنید درصدد علاج برآید و برقم و اصلاح آنها پردازید علی الخصوص که ادبیات این درس های حکمت و تعالیم اخلاقی را بشکل يك سرگذشت شیرین با عباراتی در متهای فصاحت بدست رس شما میگذارد و حاجتی بان نیست که برای فهمیدن رساله های مشکل اخلاقی تحصیلات عالی کرده باشید - این خاصیت ادبیات که بند و نصیحت را در لباس قصه و حکایت بیان می کند برای تعالیم و تربیت اطفال بسیار مفید است.

هر گاه زمانی را متناسب با ذوق و فهم اطفال انتخاب کنید برای تعالیم و تربیت آنها نتایج بسیار خواهد داشت. معلوم است که طفل از آموختن بند و نصیحت و درسهای خشک اخلاقی اگر اه دارد و همیشه گریزان است ولیکن برعکس افسانه قصه را دوست میدارد پس در ضمن قصه و حکایات میتوان بسی مطالب اخلاقی و سودمند بآنها تعالیم نمود. علی الخصوص که قوه تصور اطفال و استعدادشان برای داستان های پرهیجان بمراتب از اشخاص بالغ بیشتر است.

کتاب های ادبی را برای اطفال و در مدارس طوری باید تفسیر نمود که اول بطور کلی از وظیفه ادبیات آگاه شوند و بالاخصاص معنی و مقصود کتابی را که میخوانند خوب بفهمند و درس های اخلاقی آنرا یاد بگیرند. این تفسیر هم نباید طوری بیان بشود که اطفال را برماند و فهمیدن و یاد گرفتن را برای آنها مشکل نماید. معلم باید بفهماند که فلان شخصی که در حکایت خوانده اند از حیات زندگانی و احساسات و اعمال و افعال نمونه کدام اخلاق است و نیز بآنها نشان بدهد که سرگذشت و موضوع کتاب همه اش متوجه بیک جهت معینی است و آن مقصود مولف از نوشتن آن کتاب است. معلم باید وظیفه هر حکایت و حتی جزئیات مطاب را نسبت بفکر اساسی کتاب خاطر نشان نماید تا باین طریق اطفال باخلاق هر يك از اشخاص زمان بی برند، از منطقی احساسات و اعمال و افعالشان آگاه شوند و نکات و دقایقی را که در ضمن حکایات مستور است درك نمایند و چون يك شاهکار ادبی بدین طریق تفسیر و بیان شود مجموعه لطیف و روشن با منطقی متین و منظم جاوه گر خواهد شد.